



نشریه

جهاد علمی

معلمان نمونه

معنای غیبت

دانشگاه فرهنگیان

جهاد

علمی

مشکلات

چالشها

دانشجو معلم

دانشجو...

تباهی چهارساله

آ.پ

فرصت چهارساله

مصاحبه با رئیس دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

تربیتی که دیگر دینی نیست

ایران

نشریه جهاد علمی

مدیر مسئول :

محمد مهدی فاتحی

سر دبیر :

علیرضا گلوی

اعضای هیئت تحریریه :

فاضل نجمی نژاد

علی عظیمی

ایمان حسین نیا

سجاد سحر خیز

طراح صفحات :

محمد حسین نوربخش

ویراستار :

مهدی رعنائی

باتشکر از امور فرهنگی و اجتماعی

پردیس شهید بهشتی

سلام بر تو که عالم آل محمدی

سلام بر تو و پدرانت ، سلام بر تو و فرزندان
همانا خداوند بر ما منت نهاد و شما را چراغ هدایت قرار داد

صاحب امتیاز: کانون جهاد علمی پردیس شهید بهشتی مشهد مقدس

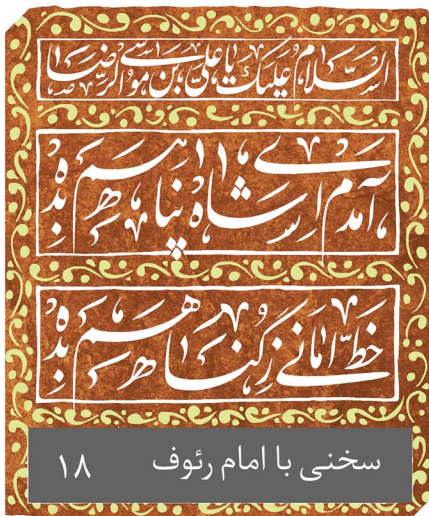


امیدوارم که خدای متعال همه‌ی شما را حفظ کند و موفق
 بدارد و روز به روز بصیرت شما را بیشتر کند. و ان شاء الله شما
 را هم در جهاد علمی، هم در جهاد عملی، هم در جهاد بصیرت
 پراکنی در محیط علم و محیط دانشگاه و همچنین در محیط
 جامعه روز به روز موفق‌تر کند.

و عن الله التوفيق



مجلس شورای اسلامی ایران



- ۴ سخن سردبیر
- ۵ فرصت چهارساله یا تباهی چهارساله
- ۶ تربیتی که دیگر دینی نیست
- ۷ چالشها و معضلات آ.پ
- ۱۰ داستانک مهدوی
- مصاحبه با رمضان نیری مدیر دانشگاه فرهنگیان
- ۱۱ خراسان رضوی
- ۱۴ دانشجو...
- ۱۵ معرفی کتاب
- ۱۶ دانشجو تربیت معلم
- ۱۷ ۴ سال مثل باد گذشت
- ۱۸ سخنی با امام رئوف

سخن سردبیر

عصری که در آن نقش نهاد آموزش و پرورش بر کسی پوشیده نیست. این معلم است که همه برنامه های درسی، برنامه های آموزشی، زیرساخت ها و تفکر حاکم بر آموزش و پرورش یک کشور را به منصه ظهور می رساند. بر کسی پوشیده نیست که معلم ستون بدون جایگزین بنای فرهنگ و تعلیم و تربیت هر جامعه است. یک معلم خوب می تواند تمام نقایص و کمبودهای موجود را پوشش دهد. لذا برای اینکه آموزش و پرورش بتواند خود را با دانش امروز بشری همراه سازد و به تبع آن جامعه ای آگاه و مولد علم داشته باشد، علاوه بر اینکه نیازمند زیرساخت های مناسب و برنامه ریزی مدون و هدفمند و سازماندهی خط مشی مناسب است، می بایست در جهت تربیت معلمی با صلاحیت های حرفه ای مطلوب گام بردارد.

ما در نشریه "جهاد علمی" همه تلاش خود را به کار گرفته ایم که هر آنچه که احساس می کنیم به دانشجو معلم در جهت کسب هر چه بهتر صلاحیتهای حرفه ای کمک می کند را در یک مجموعه گردآوری کنیم و امیدواریم که گامی کوچک اما محکم، هدفمند و پایدار در توانمندسازی هر چه بهتر و بیشتر جامعه فرهنگی کشور برداریم. هر آینه، در این راه سخت و طولانی به کمک شما عزیزان صمیمانه امید داریم و رجا واثق داریم که با یاری شما عزیزان می توانیم سرآغاز تحولی نو در نظام آموزش و پرورش باشیم.

در این نشریه سعی بر این بوده تا از تمامی دانشجویان در سطوح مختلف دانشگاهی در رشته های مختلف استمداد گرفته شود تا بتوانیم بر اعتبار و ارزش نوشتار خود بیفزاییم که از این طریق از همه عزیزان تشکر می کنم؛ همچنین از تمامی دانشجویان تقاضا می کنیم با مطالعه این نشریه و انتقادهای سازنده ای که می توانند داشته باشند، در جهت اعتلای هر چه بیشتر این نوشتار به ما کمک کنند.

علیرضا گلوی

فرصت چهار ساله تبله‌ی چهار ساله

(البته هم وطنان عزیز فعال در حوزه اپلیکیشن های تلفن همراه نرم افزار Hulu [هلو] را طراحی کرده اند که عینا مانند Drops می باشد و محیط آن نیز فارسی است). زبان های دیگر را هم با این نرم افزارها میتوانيد امتحان کنید و توصیه میکنم که حتما این کار را انجام دهید، تجربه جالبی است!

- راجع به دوره مهارت های هفتگانه ICDL شنیده اید؟ دوره ICDL می تواند موجبات آشنایی و حرفه ای تر شدن شما در نرم افزارهایی چون Word، PowerPoint و Excel را فراهم آورد که بسیار کاربردی است و کیفیت پروژه های شما را خیلی بالاتر می برد و در عین حال یکی از آیتم های تمامی فرم های ارتقای شغلی است ضمنا اگر تا امروز برای معلمان اجباری شده باشد، به زودی می شود. البته دو نکته را فراموش نکنید: ۱. این دوره ها را در مراکز مورد تایید آموزش و پرورش (مانند مرکز شهید کامیاب مشهد) بگذرانید تا مورد تایید ادارات باشد ۲. بهتر است در کنار حضور در کلاس ها از جزوه های اینترنتی یا کلیپ های آموزشی نیز استفاده کنید زیرا کلاس ها بیشتر بر روی قبولی در آزمون کار می کنند تا خود نرم افزارها.

- آیا با دانستنی کتابخانه دانشگاه ما حدود ۱۰۰۰۰ کتاب دارد؟ تا به حال گشتی میان قفسه ها زده اید؟ راجع به کتابخانه آستان قدس رضوی شنیده اید؟ حیف نیست فرصت استفاده از یکی از بهترین کتابخانه های کشور را از دست دهید؟ توصیه میکنم سری به آنجا برزید راه رفتن بین آن قفسه ها لذت دیگری دارد! استفاده از بخش سمعی بصری و سایر قسمت هایش و فرصت یک ماهه برای کتاب که بماند! و یک خبر خوب! دانشگاه ما با آنجا قرارداد دارد و برای ثبت نام کارتان راحت است! یک جستجوی ساده در اینترنت انجام دهید، انتخاب های زیادی برای مطالعه پیدا می کنید؛ به خصوص برای گذراندن اوقاتتان از تن همراه خیلی بهتر است و می توانید با خواندن کتاب حتی کتاب داستان یا رمان های زیبایی که وجود دارد هم خودتان کیف کنید! هم به جای عضویت در گروه اولی که در ابتدا ذکر شد کمی به سهم خودتان سرانه مطالعه کشور را بالا ببرید!

- یادگیری کار با انواع سازها، یادگیری Photoshop، طراحی سایت، برنامه نویسی و دنبال کردن ورزش حرفه ای، بدنسازی و بسیاری دیگر که به فکر نگرانده نرسیده و یا در این مقال نمی گنجد.

ضمنا یک توصیه برادرانه! سنگ بزرگ برنذارید! به طور مثال در زمینه یادگیری زبان انگلیسی به قول بزرگواری هزاران نفر تا به حال واژه ی abandon را ۵۰۴ بار خوانده اند، اما نتوانسته اند ۵۰۴ را یک بار بخوانند! رهنوا این نیست که که تند و گیجی خسته رود؛ رهنوا آن است که آهسته و پیوسته رود.... موفق باشید.

بزرگی میگفت در دنیا و به خصوص کشور ما دو دسته آدم داریم: دسته ای که عمرشان را صرف انتقاد و نالیدن از شرایط موجود در همه چیز و همه کس و انداختن تمام تقصیر کنندی یا عدم پیشرفتشان به آدم و عالم و می کنند و دسته دوم، که شرایط موجود را هر چه قدر بد قبول می کنند و تلاش می کنند با توجه به آن ها و با استفاده از امکانات موجود پیشرفت کنند.

می خواهید به تاریخ بنگرید، می خواهید به افراد موفق دور و برتان و یا هر منبع و مأخذی که می شناسید، افراد موفق هیچوقت جزء گروه اول نیستند! و البته گروه اول یک ویژگی مهم دیگر نیز دارند: تباهی عمرشان! روزی به خودشان می آیند و می بینند هیچ مهارتی ندارند و هیچ در چنته ندارند. از یاد نبرید که حتی در میان مرداب نیز می توان گلی به زیبایی نیلوفر شد، چه برسد به دانشگاه ما که انصافا تشبیه آن به مرداب بی انصافی است! قلم راندن راجع به این موضوع البته در این نوشتار نمی گنجد! اما اگر می خواهید جزء گروه اول نباشید و این احساس را نداشته باشید که چهار سال عمر خود را تلف نکرده اید (یا حداقل کم تر داشته باشید!) راههای زیادی هست.

کسب تجربه ها و مهارت های جدید نه تنها انسان را توانمند تر می کند و تاثیر قابل توجهی در افزایش اعتماد به نستان خواهد گذاشت، مزیت دیگری دارد که چیزی نیست جز دور کردن ذهن آدم از بطالت و فکر راجع به سستی ها و سایر افکار صدم من یک غاز! و در نتیجه فاصله گرفتن هر چه بیشتر با آن گروه اول.

در ادامه تعدادی از توصیه هایی را می بینید از دانشجویانی که سعی کردند از این دوره چهارساله هر چه بیشتر استفاده کنند و آن را به بطالت نگذرانند، البته یک صدم کارهایی که میتوان انجام داد هم نیستند و این ها تنها برخی از موارد هستند: - بگذارد از یک مهارت ساده و پیش پا افتاده شروع کنم! آیا تا به حال به ناپ ده انگشتی فکر کرده اید؟! فکرش را هم نمی توانید بکنید که یادگیری آن مهارت و افزایش سرعت تایپ چنددر در انجام پروژه ها و کارها در دانشگاه سرعتتان را بالا می برد و به صرفه جویی و فوختان کمک می کند! مخصوصا در دوران پس از دانشگاه و ادامه تحصیل و یا معلمی خود نیازتان به این مهارت را بیشتر درک خواهید کرد. یادگیری آن کاری ندارد! نرم افزار Rapid Typing را دانلود و نصب کنید و هر روز یک ربع به تمرین اختصاص دهید! پیشرفتتان در عرض یکی دو هفته چشمگیر خواهد بود!

- یکی دیگر از مواردی که توصیه می شود کار بر روی زبان و یادگیری زبان خارجی به خصوص زبان انگلیسی است. واقعا حیف است که از مشهود و موسسات معروفش در این چند سال استفاده نکنید، چون برای یادگیری و تقویت زبان هیچ چیز کلاس نمی شود. اما اگر وقت کلاس را ندارید و نرم افزارهای خوبی مانند Memrise یا Drops (بهترین نرم افزارهای آموزشی گوگل پلی در دو سال اخیر) را در گوشی تان نصب کنید و همین امروز کارتان را شروع کنید! (البته هم





از هدیه‌های آسمان تا دین و زندگی دوازده سالی راهی طولانی برای تربیت دینی دانش آموز. اما چقدر موفق بوده است؟!

سوالاتی است که پاسخ به آن در رفتار دانش آموزان مشخص خواهد شد که چقدر دین در زندگی آنها نقش دارد! نقد به پرورش در آموزش و پرورش بسیار زیاد است اما یکی از جلوه‌های پرورش، تربیت دینی است؛ تربیتی که بنظر می‌رسد خلاصه شده در کتابی تحت عنوان کتاب دینی تا امور دین را به دانش آموز بیاموزد، وجود خدا را برای او اثبات کند، معاد، نبوت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) را به او یادآور شود، و احکام اسلامی را برای او تبیین کند.

کتاب هایی که بیشتر به کتاب داستان شبیه بودند تا کتابی برای تبیین دین!

انديشمندان و صاحب‌نظران دور یک میز جمع شدند و سندی تهیه کرده‌اند به نام "سند تحول بنیادین آموزش و پرورش" که هدف آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران را تحت عنوان "حیات طیبه" بیان می‌کند، یعنی بهترین زندگی در دنیا برای رسیدن به بهترین زندگی در آخرت آن هم براساس دین؛ و این میسر نخواهد شد مگر با تربیت دینی درست. اما آموزش و پرورش چقدر در جهت رسیدن به حیات طیبه تلاش کرده و خواهد کرد و دانش آموز را به سمت آن سوق خواهد داد؟

شاید مراسم‌های عزاداری در محرم، فاطمیه و شب‌های قدر گرم و پرشور باشد که خود نشانه‌ای از دین‌مداری تلقی می‌شود اما چند درصد از دانش آموزان ما که به سن تکلیف می‌رسند خود را مکلف به انجام واجبات می‌دانند از جمله نماز؟! چند درصد از دانش آموزان ما تصمیماتی که در زندگی می‌گیرند بر اساس دین است؟!

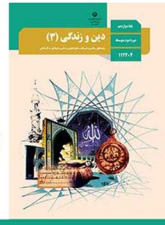
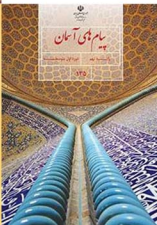
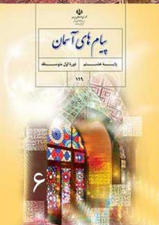
رفتارهای ناپنجگاری که امروزه در مدارس دیده می‌شود: تجاوز جنسی در مدارس و آمار وحشتناک از دختران و پسرانی که به دلخواه خود وارد یک رابطه جنسی می‌شوند، از تمایل به همجنس‌گرایی و آمار بالای اعتیاد در دختران و پسران "دو درصد به گفته ستاد مبارزه با مواد مخدر" و... همه حاکی از یک پرورش نادرست است.

دانش آموز حق ندارد برقصد! چون کاری خلاف شرع و فرهنگ و دین است و کاملاً هم درست است اما می‌تواند وارد روابط نامشروع دوستی‌های خارج از عرف و اعتیاد و هزاران سوء رفتار دیگر شود بدون این که به آموزش و پرورش انتقادی شود اینجااست که باید به حال آموزش و پرورش گریست!

دوازده سال درس پایه دینی با نام‌های هدیه‌های آسمان، تعلیمات دینی (پیام‌های آسمان) و دین و زندگی قرار گرفت تا دین را به ما بیاموزد و چگونه زندگی کردن را بیاموزیم، سالیانی نیز کتابی با عنوان "قرآن" هم در کنار کتب دینی قرار گرفت اما تدبیر در قرآن در هیچ کجای آن نبود! بگذریم از داستانهای دینی که در دیگر کتب برای تربیت دینی ما قرار گرفت؛ از اینکه معلم پرورشی فقط گروه سرود و تئاتر تربیت می‌کند؛ از اینکه مشاور در بسیاری از مدارس وجود ندارد که بگذریم به جایی می‌رسیم که اخلاقی در جامعه آسیب دیده است آسیب‌های اجتماعی به شدت افزایش یافته اما کسی آموزش و پرورش را مقصر نمی‌داند!

اگر در جنگی سربازان نتوانند سلاح به دست بگیرند و به خوبی بجنگند و دشمن آنها را مغلوب کند تمام فرماندهانی که مسئول آموزش آنها بودند مقصر شناخته می‌شوند و چه بسا در دادگاهی نظامی به اعدام محکوم شوند اما در جنگ فرهنگی هیچکدام از فرماندهان مقصر شناخته نشده‌اند آموزش و پرورش که فرمانده دفاع فرهنگی این کشور است امروز بدون اندکی دغدغه فرهنگی و تربیتی نگران پرداخت حقوق است!

ما نتوانستیم دانش‌آموزانمان را در برابر حمله فرهنگی دشمن آموزش دهیم؛ فضای مجازی مقصر نیست ماهواره و هزاران ابزار دیگر که ما را مورد هجوم قرار داده، مهم نیست، این مهم است که ما قدرت بازدارندگی فرهنگی نداشتیم که مورد هجوم فرهنگی قرارگرفته ایم آنقدر عقب هستیم که رهبری فرمان آتش به اختیار میدهند! ما معلمان آینده بایستی بدانیم که "هر وقت ماهی را از آب بگیری تازه است"، #آتش_به_اختیار



چالشها و مشکلات نظام آ.پ ایران

هرچقدر در مقام معلم قلم‌فرسایی کنیم هنوز در ابتدای راهیم و هدف هم از نوشتن این مقاله این مهم نیست؛ اما دردها و مشکلات این قشر زحمتکش و آینده‌ساز جامعه بنده را بر آن داشت تا در قالب چند سطر زبان ایشان باشم و سیاهه ای بنویسم.

امید است که روزی معلم، که رسول خدا فرمود انی بعثت معلما، به جایگاه والای معنوی و مادی خود در کشور ما برسد و آن وقت خطوط را با کلمات سرور انگیز پر کنم، امید است این شاهین شکسته بال دوباره در اوج آسمان های شگرف دانش و علم ایران مقام رفیع اش را به دست بیاورد و در ساختن ایرانی آباد و شاد و پویا بیش از پیش نقش‌آفرینی کند.

مشکلات و چالشهای آموزش و پرورش در ایران به بخش های مختلفی تقسیم بندی می شود که هم شامل اوضاع معلمان است هم دانش آموزان و به تبع آن خانواده آنها و جامعه.

در میان ایرادات و انتقادات و پیشنهادهائی که ذکر می کنیم هم مسائل خرد وجود دارد هم کلان، هم کلی و هم جزئی و سعی این است که دچار اطناب کلام و بیان واضحات نشویم.

ایمان حسین‌نیا

اما اکنون و در سال ۹۷ با وجود این همه سعی و تلاش برای تحول و تغییر مشکلات و معضلات فراوانی وجود دارد، که در ادامه به آنها می پردازیم.

۱. دانشگاه های فرهنگیان

برای شروع کار از خودمان انتقاد می کنیم. دانشگاه فرهنگیان که چه آرمان های والاایی داشت و چه می خواست اما چه شد! دانشگاهی که هدفش تربیت معلم متخصص و متعهد و انقلابی آراسته به سلاح علوم و فنون نوین چه در تدریس و چه در دفاع از اسلام و انقلاب بود، اما آیا واقعا خروجی دانشگاه فرهنگیان همین است؟

بی انگیزگی و کسالت درصد کثیری از دانشجومعلمان را فرا گرفته است. کارهای علمی و تحقیق و پژوهش که بماند کلاس ها را هم با اکراه حاضر می شوند؛ این شاید نتیجه رفاه زدگی باشد البته در عین وجود مشکلات فراوان که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. همان رفاهی که دانشجویان سایر دانشگاه ها تشنه آنند؛ حقوق ماهیانه در دوران دانشجویی معافیت از خدمت سربازی، شأنیت اجتماعی و... یا شاید به علت کم کاری در گزینش آغازین است.

آموزش و پرورش ایران از سالهای دور تا به کنون دچار تغییرات زیادی شده است مخصوصا در زمان انقلاب و پس از آن که تغییرات ایدئولوژیک در سیستم مدیریتی کشور روی داد. پس از انقلاب با فاصله کمی کشور دچار انواع جنگ و درگیری های داخلی و خارجی شد و این مهم مدارس و معلمان را هم شامل شد. در این برهه بسیاری از معلمان با همان تفکرات دوران شاهنشاهی و تربیت طاغوتی خو گرفته بودند و طبیعتا نمی توانستند ایده آل های آموزش و پرورش مد نظر تفکر جدید را بپذیرند و عملیاتی کنند، بنابراین عده ای مدارس و عده ای کشور را هم ترک کردند. از طرفی جمع کثیری از معلمان هم که مدافع انقلاب بودند در جبهه های سخت مشغول دفاع از کشور بودند و می شود گفت با کمبود معلم توانمند مواجه بودیم.

کم کم جمهوری اسلامی به تربیت معلم پرداخت و نسل خوبی از معلمان را پرورش داد اما نظام آ.پ تقلیدی ما هنوز کتاب هایش و محیط هایش با آنچه که باید می شد تفاوت زیادی داشت.

کتابها و سیستمها دائما تغییر می کرد و معلم و دانش آموز را در سردرگمی بیشتر فرو می برد نمونه اش همین تغییرات آخر و بازگرداندن نظام ۳-۳-۶ و تحول محتوای کتب.

گام اول برای اصلاح وضع آموزش و پرورش کشور در کنار اصلاح قوانین مربوطه بهبود شرایط دانشگاه فرهنگیان است.

۲. جدا شدن مقوله پرورش از آموزش

کسی نیست که نداند در اکثر مدارس کشور ما این آموزش و علم اندوزی است اولویت اول را دارد. آنهم نه علمی که انسان ساز مفید برای زندگی دنیا و عقبی باشد.

اصلاً چه معنا دارد برای پرورش، یک معاون و معلم جداگانه در نظر بگیریم با وجود این که اکثر دانش آموزان در برابر آنها گارد دارند و می‌دانیم که حرف

شنوی و تاثیر پذیری دانش‌آموز از معلم تخصصی خود بیشتر است.

باید پذیرفت که این فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی است که باعث ایجاد شادی و شور و رغبت در دانش‌آموزان می‌شود و راندمان کاری آنها را در درس گوش دادن و خواندن بالا می‌برد و می‌شود مهارت‌های گوناگون زندگی را هم در قالب همین فعالیت‌ها به آنها آموخت که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۳. حجم کتاب‌ها

به ادعای دبیران و دانش‌آموزان و تحقیقات میدانی کتابهای درسی در کشور ما حجم بالایی دارند؛ به گونه‌ای که دبیر و مربی دائماً اضطراب این را دارند که کتاب تا پایان سال تمام می‌شود یا نه؟ فلذا دبیر مجبور است از فعالیت اضافی مانند انجام انواع آزمایش‌ها، بازی‌ها، روش‌های شکوفایی استعداد و فعالیت‌های خلاقانه خود و افراد در کلاس بکاهد، تا بتواند حجم کتاب را تمام کند. از طرفی در همان محتوای علمی کتاب هم دبیر توانایی مانور و تکرار چندباره ندارد و باید با سرعت پیش برود

۴. مطالب نظری و حفظی بالا

تمام کسانی که در سیستم آپ ایران تحصیل کرده‌اند بر این گزاره صحه می‌گذارند که اکثر علوم و دانش‌های یاد داده شده جنبه حفظی و نظری و غیر عملیاتی داشته و دارند و قابل به کار بستن در زندگی شخصی و اجتماعی نیستند.

علوم وقتی با ارزش و جذاب می‌شوند که جنبه مهارتی داشته باشند و دانش‌آموز را جوری تربیت کنند که اگر نخواست وارد دانشگاه می‌شود بتواند با همان سطح دیپلمش کاری را شروع کنند و توانایی اداره یک زندگی را داشته باشند اما در حال حاضر آموزش و پرورش با افرادی را تربیت می‌کند که مغز هایشان پر از مطالب حفظی و بی کاربرد است و مهارت و شغل خاصی هم بلد نیستند.

از طرفی افرادی که استعداد حفظ کردن شان ضعیف باشند و بیشتر مهارت گرا، اهل تجربه و آزمایش باشند در این سیستم بزرگترین صدمه‌ها را می‌بینند و به نوعی عمرشان تباه می‌شود.

۵. مدارس خاص

مدارس غیر دولتی در هر شکل و گونه‌ای که هستند دارای مضرات و مزایای هستند که جنبه اول موضوع بحث ماست. به نظر من این مدارس از مسببین اصلی ایجاد شکاف طبقاتی تحصیلی هستند. در این مدارس دانش‌آموزان به اصطلاح تیزهوش یا در نوع دیگر متمول از دانش‌آموزان به اصطلاح معمولی، جدا می‌شوند و اینجاست که اولین مراتب نامیدی در اینها شکل می‌گیرد چون امکانات، دبیر خوب، تشویق و توجه و المیاد، کلاس کنکور و دانشگاه خوب هم برای آنهاست.

مگر این بچه‌ها در جامعه‌ای که هم جدایند که باید در مدارس جدا باشند؛ بعلاوه معضل عدم مهارت آموزی و آماده شدن برای زندگی در مدارس خاص چندین برابر به چشم می‌آید چون به مراتب بیشتر درگیر مطالب آموزشی می‌شوند.

۶. تالیف کتب

کتاب‌های درسی در کشور ما علاوه بر مشکلاتی که قبلاً گفتیم دارای مشکلات دیگری است از جمله: عدم آموزش زندگی اجتماعی و قوانین و روابط رسمی و غیررسمی که دانش‌آموز در جامعه با آنها دست و پنجه نرم خواهد کرد.

ریشه بسیاری از تبهکاری و بزهکاری‌های جامعه همچون: اعتیاد، طلاق و دیگر معضلات اجتماعی بر می‌گردد به عدم دیدن آموزش مناسب توسط افراد در مدرسه و خواندن کتاب‌هایی که به چنین چیزهایی اهمیت ندهاده‌اند.

از سوی دیگر گنجانده شدن محتوای سبک زندگی ایرانی اسلامی در کتب ابزادی دیگر است. جایی که بجز در کتاب دین و زندگی آنهم به مقدار اندک و نامناسب جایی در کتاب‌ها سخنان ائمه درباره سبک زندگی و سیره عملی آنان



همان جایی که تقریباً هر کس نمره علمی مورد نظر را داشته و در انتخاب رشته دانشگاه فرهنگیان را انتخاب کرده و دعوت به مصاحبه شده است، اکنون در دانشگاه حضور دارد و کمتر سراغ دارم کسی را که در مصاحبه‌ها با جود داشتن اولویت نخبگان جامعه انتخاب شوند که شرایط اخلاقی و سیاسی مذهبی مناسب را داشته باشند اما حقیقت این گونه نیست و چه بسا موارد فراوانی که توان علمی که هیچ حداقل شایستگی‌های ظاهری و کلامی و عقیدتی را ندارند.

از این که بگذریم دروس عمومی فراوان که اکثراً نظریات اندیشمندان غربی را به خورد دانشجو معلم می‌دهد و ذهن او را مشغول میکند، معضل دیگری است و می‌بینیم به جای اینکه منظومه فکری امام و رهبری تدریس شود، طرح کلی اندیشه اسلامی و مبانی پایه‌های دین اسلام مطرح شود مرتباً نظریات نظریه پردازان بلاد کفر تدریس می‌شود.

از سوی دیگر مشکلات صنفی و رفاهی هم در شرایط فعلی بی‌تاثیر نبوده؛ جایی که دانشجو معلم هزینه زیادی را پرداخت ولی امکانات رفاهی مورد رضایت نیست.

به شکل زیبا، مفهومی و در لافافه بیان نشده است.

اثری از تفکرات امام و انقلاب و مقام معظم رهبری و منظومه فکری و اندیشه های آنان در کتاب های ما دیده نمی شود و بعد ما انتظار تحول افراد متعدد و انقلابی از این سیستم داریم.

۷. کمبود معلم و به کارگیری معلمان در پست غیر تخصصی

خوب واقعیم که آموزش و پرورش به علت خروجی ها و نظام آموزشی جدید به شدت با کمبود معلم مواجه شد که معضلات زیادی را در پی داشت. مثلاً در سال ۱۳۹۱ شاهد ورود خیل عظیمی از افراد به دانشگاه های فرهنگیان بودیم که با سیاست ها و اهداف و آرمانهای این دانشگاه مغایر بود؛ یا جذب ماده ۲۸ ای ها با حالات گوناگون. این مشکل هنوز هم مرتفع نشده و یکی از دلایل معضلاتی که در شماره ۱ گفتیم همین قضیه است.

این موضوع باعث شده که از دیرباز در رشته های غیر تخصصی آنها استفاده شود که بسیار تاسف بار و قابل تأمل است که مثلاً دبیری با مدرک کارشناسی ارشد فیزیک در مقطع ابتدایی تدریس کند. این کار علاوه بر اینکه موجب ناامیدی و افت راندمان دبیر می شود برای دانش آموزان هم ضررات زیادی دارد، چون دبیرشان با ریزه کاری های آن مقطع و درس آشنا نیست.

از نگاهی دیگر کمبود معلم باعث ایجاد کلاس های پرجمعیت می شود که هم مدیریتش دشوار است و هم فرصت شکوفایی استعدادها و ابراز خلاقیت ها از افراد گرفته می شود و معلم هم به علت مشغله و خستگی زیاد نمی تواند اطلاعاتش را بروز نگه دارد.

۸. ثابت نبودن محل دبیر

یکی دیگر از مشکلاتی که می شود مطرح کرد دانش آموز محوری است. این که استاد و معلم باید به نزد دانش آموز بروند نه اینکه دانش آموز به محضر معلم برسد آسیب هایی دارد. اگر کلاس برای معلم باشد و مکان ثابت آن درس خاص، باشد او می تواند انواع ابزار و وسایل و تصاویر را در آنجا مستقر کند و حتی امکانات لازم برای کارهای خلاقانه و آزمایشگاهی را در همان کلاس تهیه کند؛ به علاوه با این کار آرامش و اعتماد به نفس او و توان مدیریت کلاس وی افزایش می یابد.

با اینکار احترام مربی هم به دبیر بیشتر می شود و در کل فضای مطلوب تری برای آموزش ایجاد می گردد.

کرده است.

معلمان عقیده دارند به علت دشواری کار ایشان و وظیفه نسل سازی و انسان پرورشان باید از نظر مادی و تأمین معیشت نیز شرایط بهتری داشته باشند، مانند بسیاری از کشورها که معلمان حداقل حقوقی بیشتر یا برابر با پزشکان دریافت می کنند.

از منظر دیگر مشکلات عظیم بیمه و بازنشستگی را باید به موارد قبل افزود همینطور عدم افزایش حقوق متناسب با تورم و عدم پرداخت های بیمه



طلابی و تاخیر در پرداخت حقوق بازنشستگی و سنوات، البته که مشکلات این حوزه بسیار گسترده است و این بر همگان مبرهن است و جای تفصیل بیشتر نیست.

از دیگر مواردی که به صورت لیستی به آنها اشاره می کنیم؛ الگوگیری از نظام های آموزشی غربی و غیراسلامی که به کمال افراد منجر نمی شود _ عدم اجرای مناسب سند تحول بنیادین _ عدم تعین سیستم های مناسب برای برقراری نظم در مدرسه و کلاس آموزشی _ دادن فضاهای نامناسب

به برخی مدارس که از لحاظ ظاهری و امکانات بسیار محروم اند.

_ مواردی که به آنها اشاره کردیم تمام چالش های پیش روی آموزش و پرورش نبود و در کنار آنها کارآمدی ها و خدمات های فراوانی از نظام آموزش و پرورش ایران در حافظه تاریخ و ملت ثبت شده است. و امیدواریم این سازمان در این جاده پر پیچ و خم که پا در آن نهاده موانع و مشکلات را پشت سر بگذارد و به سر منزل مقصود برسد. در پایان بیاناتی از مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان را بازگو می کنم:

خب امام (رضوان الله علیه) فرمودند «معلّمی شغل انبیا است» این فقط یک شعار دل خوش کن نیست؛ این یک حقیقت قرآنی است و «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» از جمله خصوصیات پیامبران، تعلیم است. یعنی شما دارید راهی را



حرکت می کنید که برترین انسانهای تاریخ بشریت، آن راه را رفته اند و برای آن مقصود و برای آن پیامش، مبعوث شده اند؛ به نظر ما این جزو واضحات است، جزو بدیهیات است که آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت عمومی، زیرساخت اصلی سعادت یک ملت و پیشرفت یک کشور و در جمهوری اسلامی، حرکت به سمت آرمانها است.

مشکلات معیشتی واضح ترین مشکل آموزش و پرورش و معلمان معضل حقوق و مزایاست، که داد همه فرهنگیان از دانشجو معلم تا بازنشسته را در آورده؛ زیرا علاوه بر اینکه در شرایط فعلی کشور معلم زیر بار فشار اقتصادی کمر خم کرده، شاینت و جایگاه اجتماعی او نیز تنزل پیدا



رسول خدا در بستر احتضار... دانه های اشک بر گونه های ام اییها، جاری... ناله های دختر، سکوت پدر را شکست... پدر، از

علت اشک ها پرسید... دختر از ستم هایی گفت که انتظارشان را می کشید... آخرین فرستاه خدا، به قصد دلداری فرمود:

آرام باش دخترم! دلگرم به این که خدا، به ما هفت خصلت بخشیده، احدی پیش و پس از ما شریک این خصلت ها نیست.

نخست آنکه من برترین انبیا هستم و پدرت!

دوم آنکه علی، محبوب ترین اوصیاست و شوهرت!

سوم آنکه آقای شهیدان، حمزه است و عموی پدرت!

چهارم آنکه جعفر طیار، با آن بال های بهشتی، برادر شوهر توست.

پنجم و ششم، آنکه سروران جوان های اهل بهشت، حسن و حسین تو اند.

هفتم آنکه مهدی این امت، از نسل توست.

خدا او را بر خواهد انگيخت! آن زمان که دنیا را هرج و مرج فرا گرفته باشد و مردم در بی تاراج هم باشند.

دلخوش به این باش که مهدی توست همان کسی که می گشاید، قلعه های گمراهی و دل های قفل خورده را. بحارالانوار، جلد ۵۱، ص ۷۹

مرحوم حاج محمد اسماعیل دولابی در بیانی، معنای غیبت حضرت ولی عصر (عج) را اینگونه تشریح می کنند:

سوال شد امام زمان (عج) غایب است یعنی چه؟ گفتیم غایب؟ کدام غایب؟ بچه دستش را از دست پدر رها کرده و گم شده

میگوید: پدرم گم شده است. ما مثل بچه ای هستیم که پدرش دست او را گرفته است تا به جایی ببرد و در طول مسیر از بازاری

عبور می کنند. بچه جلب ویتترین مغازه ها می شود و دست پدر را رها می کند و در بازار گم می شود و وقتی متوجه می شود که

دیگر پدر را نمی بیند، گمان میکند پدرش گم شده است. در حالی که در واقع خودش گم شده است. انبیاء و اولیاء پدران خلق

اند، غالب خلایق جلب متاع های دنیا شده اند و دست پدر را رها کرده و در بازار دنیا گم شده اند. خلاصه نگو آقا غایب است. تو

نمی بینی...

"برگرفته از کتاب «امام زمان (عج) در کلام اولیای ربانی/مهدی لک علی آبادی/ص ۳۰"



گفتگوی خواندنی با

جناب آقای رمضان نیری

مدیر امور پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

بودیم، با تعدادی از کلاسها ارتباط داشتیم، خیلی‌ها به ما بازخورد میدادند که خوش‌حال دانشجو‌های شما که اینقدر امکاناتش خوبه، ببینید یکی از یک استان دیگه آمده اینجا و این قضاوت رو داره ولی بچه‌های ما ممکنه این قضاوت رو نداشته باشند.

شاید نسبت به پردیس‌های دیگر بهتر باشیم نسبت به گذشته چه؟ آیا نسبت به گذشته خود پیشرفتی داشته‌ایم؟

حالا به صورت شاخصی این مقایسه رو انجام می‌دهیم و تقریباً در تمام شاخصه‌ها پیشرفت بوده، مثلاً در حوزه فضا و امکانات و تجهیزات خوب شرایط ما بهتر شده کما اینکه قبل من آقای مجتبی‌وی هم زحمانی کشیدند که بهتر شده و قبل ایشان آقای مختار زاده کارهایی کردند بهتر از گذشته، بالاخره این مرکز، ما که اسنادش را نگاه می‌کنیم یک زمانی چهار تا بلوک بود و با سلامت و با هیزم غذا درست می‌کردند و طی مرور زمان شرایط بهتر شده، مثلاً سال گذشته پانصد بیش از میلیون فقط اعتبارات جذب کردیم در حوزه آزمایشگاه.

بیشتر منظور سوالم از لحاظ آموزشی بود و ما در این زمینه چه پیشرفتی کردیم؟

- در بعد فضا و امکانات شواهد حاکی این‌که کارهای خوبی انجام شده و در حوزه آموزشی یکی از کارهایی که سال گذشته به صورت جدی به دنبال آن بودیم

دانشگاه فرهنگیان انتخاب شده‌اید، به نظر شما چه ملاک‌هایی باعث این انتخاب شد؟

- البته این اشتباه تفسیر نشود که مدیر برتر براساس معیار ها یا کارهایی است که یک شخص انجام داده، این‌که در همایش اردیبهشت ماه، در حوزه معاونت آموزشی شاخص‌هایی داشتند که سرجمع عملکرد استان‌ها را ارزیابی کردند و در مجموع استان خراسان رضوی و استان قم دو استان برتر کشور ارزیابی شدند و از بنده به نمایندگی، آنجا تجلیل شد در واقع این نمونه بودن، نمونه بودن هم دانشجو بوده هم اساتید و هم کارکنان که استان خراسان به همت همکاران ما و کارکنان و اساتید و از همه مهم‌تر به همت خود دانشجویان در حوزه‌ی آموزشی برتر تشخیص داده شد و البته سال گذشته که جلسه کشوری در استان اردبیل برگزار شد در حوزه پژوهشی به عنوان استان برتر مطرح شدیم.

بنظر تون در بین دانشجویان هم همین اعتقاد وجود داره که ما از لحاظ آموزشی، برتر هستیم؟

خب ممکنه نداشته باشند و ما استان‌ها ویزگی‌مون این‌که در هر شرایطی که هستیم فکر می‌کنیم که باید بهتر از این باشیم و هیچگاه از شرایط ممکن نباید راضی باشیم ولی در عین حال، به وضع موجود باید احترام بگذاریم، در عین حال همیشه باید چشم اندازهای بلندتری داشته باشیم و هدفهای مهم‌تری رو برای خودمون ترسیم کنیم و به وضع موجود واقعا راضی نباشیم، ولی وقتی که ما مقایسه می‌شویم در کشور، می‌بینیم که جایگاه خوبی داریم، کما اینکه در برنامه رویش که در زمستان برگزار شد و ما میزبان

رمضان نیری مدیر امور پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی است مدیری که خود از تربیت معلم وارد آموزش و پرورش شده‌است، در سال ۱۳۶۲ از طریق کنکور سراسری وارد مرکز تربیت معلم یزد میشود و از رشته‌ی علوم تربیتی فارغ التحصیل شده و در اوایل خدمت به کرمانشاه می‌رود و در فضای جنگ به معلمی می‌پردازد، بعد از ۲۰ سال حضور در یزد به مشهد می‌آید و در ازگانه‌ای مختلف حضور داشته‌است، حال او در دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی که از مهم‌ترین مراکز تربیت معلم کشور می‌باشد، مسئول شده‌است. مصاحبه‌ای با او انجام داده‌ایم گفتگویی صمیمی و در عین حال چالشی!

به عنوان سوال اول چگونه وارد آموزش و پرورش شدید؟

- من کنکور سال ۱۳۶۲ شرکت کردم و در تربیت معلم قبول شدم، دو سال تحصیل کردم و شدم معلم! اول خدمتم کرمانشاه بودم ۳ سال در زمان جنگ آنجا معلم بودم و بعداً در یزد به مدت ۲۰ سال، آدم به مشهد و از سال ۱۳۸۷ در تربیت معلم سابق یا همون دانشگاه فرهنگیان فعلی کار می‌کنم که با مدرس بودم، مدیر گروه بودم، یا معاون یا مسئول و یک بخشی هم از دورانی که خراسان بودم ۶ سال هم معاون آموزش متوسطه اداره کل آموزش و پرورش بودم.

با فضای دانشجو معلمی پس قاعدتاً آشنا هستید و تیریک می‌گوییم که شما به عنوان مدیر برتر بین پردیس

در بحث رفاهی خوب بخشی هست که ما نگرانی داشتیم و داریم و خوب شما نگاه کنید هزینه جاری از محل کسورات دانشجویی است و خوب دانشجو در سال ۱۳۹۶ حقوقش بوده مثلاً ۶۷۰ و سهم دانشگاه حدوداً میشه ۳۲۰ و در سال ۱۳۹۷، ۱۰ درصد حقوق ها اضافه شده و سهم دانشگاه شده ۳۶۰ هزار تومان، یعنی تفاوت سال ۱۳۹۷ با ۱۳۹۶ شده حدوداً ۲۰ هزار تومان، ولی تفاوت در هزینه ها خیلی بیشتر شده.



امروز نسلی که وارد تربیت معلم می شود در حال تغییر است و در مجموع رتبه های برتر کنکور وارد این عرصه می شوند و به طبع نیاز های علمی بیشتری هم دارند برای رفع این نیاز چه اقداماتی صورت گرفته است؟

- این نکته ای که اشاره کردید نکته کاملاً درستی است که یک مزیت ارزشمند است برای دانشگاه فرهنگیان، و این دفعه جدی است ما باید دوتا کار انجام بدهیم، یک رسالت دانشجو و یک رسالت برای ما رسالت ما این است که واقعا تمام تلاشمون رو بکار بگیریم و استادی که دعوت می کنیم بهترین باشد و در این زمینه غفلت نشود و یک طرف هم نقش دانشجو، دانشجو باید انقدر فعال باشد سر کلاس و انقدر مطالعه گر در حوزه درسی که استاد بالاخره خودش را با نیاز تنظیم می کند. میخوام بگویم اگر دانشجو و کلاس در حوزه علمی فعال باشد، استاد از دواالت خارج نیست، با اینکه ظرفیت دارد که ظرفیتش را بکار میگیرد و با طرح میاد سر کلاس یا اینکه ظرفیت ندارد که در اون صورت رها می کند کلاس را چون احساس می کند که نمی تواند.



مشکل دیگری که داریم مشکل انگیزه است معمولاً دانشجو معلمان عنوان می کنند انگیزه نداریم و همین بی انگیزگی را عامل عدم مطالبه خود می دانند!

- وقتی از انگیزش صحبت می کنیم، ما یک انگیزش بیرونی داریم و یک انگیزش درونی، انگیزش های بیرونی همون محرک های بیرونی که مثلاً یک استاد می تواند کاری کند که در دانشجو انگیزه ایجاد بشود یا لوح ها یا تقدیرها که می تونه انگیزش بیرونی باشه، انگیزش درونی در حوزه باورها و اعتقادات و نگاه ما نسبت به کاری که داریم و از اون حاصل میشه و صاحب نظران هم اعتقاد دارند که ارزشمند ترین انگیزش، همون انگیزش درونی هست. من فکر می کنم دانشجو معلم اگر خودش را در قامت یک معلم موثر ببینه و باور کنه که معلمی چه نقشی داره در توسعه کشور، خود این میشه انگیزه



سوال بعدی اینکه ما در دومین کلاس شهر کنشور هستیم و قابلیت های خوبی در مشهد هست مثلاً دانشگاه فردوسی ظرفیت های خوبی داره، ما چه استفاده ای از این ظرفیت ها می کنیم؟

-اینکه از اساتید دانشگاه فردوسی استفاده می شود یا نه، خوب بله استفاده می شود ولی اینکه به اندازه کافی و در حد ظرفیتی که وجود دارد استفاده می شود یا نه؟ حالا یک نگاهنامه هایی با دانشگاه فردوسی سال گذشته منعقد کردیم و یک نگاهنامه با دانشگاه فردوس که بیشتر درباره رشته های هنری بود، اما باید بیشتر از ظرفیت های آسان قدس و دانشگاه فردوسی استفاده کنیم.



-یک صحبتی که بین دانشجویان هست این است که می گویند اساتید دانشگاه فردوسی بدلیل تاخیر در پرداخت ها دیگر حاضر به تدریس در دانشگاه نیستند. تایید می کنید؟

-نه ببینید حق التدریس گاها تاخیر می شود و اساتید دانشگاه فردوسی هم از بسیاری کار و پروژه نمی توانند بیايند اینجا، مثلاً تو رشته زیست یکی از اساتید گفت من از پس مشغله دارم، وقت ندارم و نمی توانم پیام اونجا و موضوع صرفاً حقوق نیست ولی یکی از دلایل می تواند باشد که استاد می آید اینجا برای تدریس و حقوقش به تاخیر می افتد و این مسئله چیزی نیست که دست ما باشد



آیا مشکل بودجه داریم؟

-خوب مشکل بودجه در همه جا یک چیز طبیعی است که این هم مطلق نمیشود گفت، ببینید هم مشکل بودجه داریم، هم باید خدا را شکر کنیم برای این وضع. همیشه باید ما نسبی با بعضی موضوعات برخورد کنیم. هزینه ها تقریباً بالغ بر ۹ درصد مربوط به حوزه غذایی و خوابگاهی هست چون این ها وابسته به حقوق دانشجویی هست و حقوق دانشجو خیلی زیاد شده ولی قیمت ها بالا رفته و اینکه پرداختی های دانشگاه به روز نیست و خیلی مطالبات از قبل داریم که همیناً مشکل ایجاد می کند.



یک سوالی که وجود داره اینه که سرانه دانشجویی نداریم مشکل دانشگاه فردوسی؟

-نه، سرانه ما فقط همین کسورات دانشجویی هست.



شفافیت مالی بحث داغی در شوروی

شفافی بود طبعاً به دلیل درآمدهایی که دانشگاه داره علاوه بر ۴۵٪، آیا شفافیت وجود دارد؟

-در اینجا چند نکته وجود داره اولاً، شفافیت مالی بود وجود داره یا نه ممکنه از نظر دانشجوی وجود نداشته باشد. میخوام مطمئن باشی که سیستم دانشگاه جوری نیست که پول بیايد و ما هزینه کنیم، سازمان مرکزی می گه فلان قدر متواتید هزینه کنید و ما هزینه می کنیم و سند می بریم، اسناد دانشگاه و قراردادهای سلف و ابن هبتم و ... یکبار سازمان مرکزی و یکبار خود ما رسیدگی می کنیم و از همه مهم تر دیوان محاسبات هرسال میاد اینجا و تقریباً دو ماه طول می کشه و یک اتافی هست اینجا که حتی جایی ما رو هم نمیخورن یعنی یک فضای ایزوله ای برای خودشنون تعریف میکنن و تمام اسناد دانشگاه و قرارداد ها رو دونه به دونه بررسی می کنند.

-بنابراین این شفافیت وجود داره در حد خودکاری که خریداری شده.



اجاره دادن سالن های ورزشی محدودیتی برای استفاده دانشجویان ایجاد نمیکند؟

-من گفتم که حتی اگر یک ساعت در یک جایی تداخل ایجاد میکنه بین دانشجو و اون کسی که میخواد بیايد، شما به هیچ وجه نیاز دانشجو رو نازدید نگیرید و این مطمئن رو هم به ما دادند که مثلاً این تایم در اختیار دانشجویان تربیت بدنی و این تایم در اختیار دانشجویان فلان رشته و همین زمین چمن هم تایم های خالیست به حدی هست که دانشجو بخواد استفاده بکنه.



درباره ۴۵٪ و ۱۰٪ تابستان و نحوه هزینه آن توضیح مختصری دهید.

-اولاً اون ۴۵ درصد فقط برای غذا نیست و دانشجویانی که میان و قفاوت هایی میکنند که جور در نیامد، این افراد منبراً رو غذا دارند و این ۴۵ درصد برای کل هزینه هاست، هزینه های خوابگاه مثلاً فرض کنید قبض آبی که پرداخت میشه از همینه.

ما یک اعتباری داریم به نام اعتبار تملک، ما بجز اعتبار پرسنلی (پرداخت حقوق کارمندان توسط خزانه) که گفتم یک اعتبار دیگه داریم که پیش می گن اعتبار تملک و دارایی مربوط تجهیزات هست، مثلاً اگر شما بخواهید کولر بخری این اعتبار خاص خودش داره و برچسب میخوره و ثبت میشه، یکسری تعمیرات جزئی داریم که مثلاً شیر آب خراب شده، این ها تمام از همین ۴۵ درصد خرج میشه، بنابراین شاید از اون ۴۵ درصد ۶۰ درصد غذایی و ۴۰ درصد سایر قضیه هات و اون ۱۰ درصد تابستون هم که مطرح شده، یک هزینه های جزئی توی خوابگاه ها نیابا میشه که از هسون منبع نامی می کنند فقط الان یک موضوع پیش

میدان که پیچیده است، یک دانشجو می‌تواند ۳ روز میام اینجا و کلاً ۳ تا ناهار می‌خورم ۴ تا شام می‌خورم به خودم بخیرم بهتره و این چه کاریه و این حرف درسته و از اون طرف هم یک چیز یگم که لایحاح مانده، ببینید این دریافتی‌ها مایگینه، انگار اعضای یک خانواده اینجا هستن که یکی از اعضای خانواده پرخوراک تره یکی کم خوراک تره، اما هزینه‌ها مایگین هم مایگین شده و پرداخت‌ها این شکلی شده.



میشد برای رفع این مشکل و تصور بی‌عدالتی که در پرداخت هاست، اسم‌ها رو عوض کنیم و بزاریم شهریه و بعد بگیریم ترم فلان اینقد شهریه و دیگه این مشکلات پیش نیامد و پرداخت‌ها هم منظم می‌شد.

شهریه که نمیگن چون این یک کمک هزینه آموزش هست چون توی قانون متعهدین خدمت می‌گه چون دانشگاه داره متعهدین خدمت رو تربیت میکنه و چون متعهدین خدمت حقوق میگیرن باید از حقوق خودشن هزینه‌هاشون تامین بشه و این هزینه همه چی هست و تنها غذا نیست، من چند تا خواشتم دارم اولاً اینکه خود چه‌ها مطالباشون رو پرداخت کننن،

مثلاً دانشجو اومده ۸ ترم و ۸ میلیون بدهکاره این معنی‌ش اینه که دیگران جور اون فرد را کشیدن و از اون بدتر، دانشگاه گرون تر اداره شده یعنی وقتی دانشگاه بدهکاره به بازار مراجعه می‌کنه و یکس بازار هم گرون تر حساب میکنه و میگه شما کم پولشو نمیدید و معلوم نیست کسی پرداخت کنی و مثلاً گوشت که ۱۲ تومن رو میدن ۱۴ تومن و نکته دوم اینکه واقعاً مراقبت کردن هست برای کاهش هزینه‌ها چون هرگونه مشکل پیش بیاد باید از همین پول خرج بشه و ما هزینه‌هایی رو حذف کردیم مثلاً در جلسامون همیشه میوه بوده که حذف کردیم و شما دانشجو‌ها هم اگر از وسایل مرتبط نکند مثل کولر، پریز برق و... خوب این‌ها خیلی کمک میشه به دانشگاه چون وقتی جمع میشه اینها خوب هزار و چهارصد دانشجو این مراقبت‌ها رو انجام بدن خوب به خود به خود هزینه‌های دانشگاه پایین میاد و دانشگاه میتونه بهتر خدمات بده و ما واقعاً ناراحتیم که مثلاً نمی‌تونیم بیشتر به بچه‌ها ما هویه بدم.



خب این نشون میده دانشگاه توی دریافت کردن پول مشکل داره و از تعدادی حقوق کم میشه از تعدادی کم نمیشه و تعدادی هم میگن کاش از ما کم میشد که روی این پول اصلاً حساب باز نمیکردیم یا تعدادی میگن بهتره که بعد چهار سال یکجا پرداخت می‌کنیم و این نشون میده که

سیستم اشکال داره، بعضی هم پیشنهاد دریافت شهریه دادند و قبل ترم هم شهریه‌ها رو دریافت کنیم تا مشکلات مالی دانشگاه برطرف بشه، یعنی سازمان مرکزی هیچ روشی در این باره نداره؟

حوزه مالی دنبال همین روش هستن که شما میگین، حوزه دانشجویی باز دغدغه دارن که دانشجو‌ها توی یادگیری نشه ولی سرجمع گویا که سال ۱۳۹۸ خود وزارت آموزش و پرورش و سازمان مرکزی به توافقی رسیدن که یک کانه بکننن و از اسامی حل میشه این مشکل و خوب دریافت اینها هم زمان میخواد و این دریافتها میره تهران و سازمان مرکزی و خزانه و باز دیواره خزانه در قالب اعتبار این پولو میده که گاها تاخیر میشه برای همین همیشه دانشگاه‌ها توی خرید هاش عقبه و قدرت مانور رو از ما گرفته است.



ایده‌های دانشجویی رو به مقامات منتقل میکنید؟

من اتفاقاً میخوام یک بانک ایده درست کنید و به عنوان پیشنهاد یکی از کارهای شورای صنفی این باشه که یک بانک ایده ایجاد کنه و بچه‌ها ما ایده‌هاشون بگن و هفته‌ای یکبار آنالیز بکنیم، که ممکنه از تو دل همینجا چهار تا ایده خوب بیاد بیرون که اسامی کنیم می‌تهران و حتی مواقعی ممکنه ده تا ایده برتر که جمع بشه، از سازمان مرکزی که اومدن یک جلسه‌ای می‌زاریم که بگیریم اینا ایده‌هایی دارن و اینها شدنی‌ان.



رابطه شما با دانشجو‌ها چطوره؟ رابطه خوبی با دانشجو‌ها رفتین یا نه؟

عام مبارک دوتا از خوابگاه‌ها رو رفتم. خودم بالاترین ارزش برام اینه که با دانشجو بیشتر ارتباط داشته باشم چون رشته و تخصصه و در ارتباط نسبتاً توانم خوبه و مشکل اصلیمون کاره ما و ما مدیریت استانی رو داریم و هم پردیس شهید بهشتی و هم اینکه برنامه‌های کشوری فراوان ایجاد میشه مثلاً در پارسال ما ۲۹ برنامه کشوری اجرا کردیم که خوب واقعاً وقت می‌گیره و برنامه‌ریزی و هماهنگی می‌خواهد که خود همین باعث میشه که یک مقدار اون میزانی که برای دانشجو وقت می‌گیریم کم باشه، اگرچه هرچا برنامه‌ای بوده یا انجام ما کار گاهی گذاشتن من رفتم و تو نماز بچه‌ها ما همیشه هستم ولی راضی نیستیم از این وضعیت و دوست دارم خیلی بیشتر از این در ارتباط باشم. یک وقتی کمیت ارتباطه که کافی نیست و یک وقتی کیفیت رابطه هست که من فکر می‌کنم خوبه و با دانشجو احساس خوبی دارم.

دانشجو‌معلمان در چندین حرکت دیدیم که همبستگی داشتن و در کمپین استفاده‌ای بچه‌های ورودی ۹۷ یا کسر حضور دیدیم که حرکتی انجام دادند و توانستند موفق باشنن. با این وجود نسل آینده معلمان را چگونه می‌بینید؟ آینده نسل متحول کننده در راه است یا نه؟

من توی جای جای آموزش پرورش کار کردم و خیلی خوشحالم و توی جشن فارغ التحصیلی سال گذشته هم گفتم واقعاً من تبریک میگم به آموزش و پرورش که اینگونه فزاینده‌ها رو و یکی از شاخص‌هایی که باید توی این نسل تربیت بشه اون صبوری هست و اون سبک زندگی‌ای که لازمه معلمی است مثلاً خود این ارتباطات بیش از حد با فضای مجازی و دیر خوابیدن‌ها، این سبک به ما آسیب میزنه و من همیشه اعتقاد دارم که ما باید تورو با کهنه مخلوط کنیم و بالاخره نوگرایی معلمان جدید و سواد رسانهای و سواد دیجیتال‌های دارن، قابلیت‌های فوق‌العاده جدید را ایجاد میکنه و در مجموع احساس می‌کنم که ورود بچه‌های دانشگاه فرهنگیان به حوزه تعلیم و تربیت، یک خون تازه‌ای رو داره جاری می‌کنه به رگهای آموزش و پرورش.

صحبت آخر

باید بر اساس یک اصل علمی صحبت بکنیم، بالاخره ما انسانیم و انسان نیازهای متنوع داره که ابتدایی‌ترین نیازهای ما، نیازهای فیزیولوژیک هست، نیازهای پایه‌ها ما هست مثلاً نیاز به غذا و پوشاک و مسکن و اینها همه‌ها خیلی خوش‌حالی تعالی انسان به چگونگی ارضای سایر نیازهاست مثلاً چگونگی رسیدن به امنیت روان و نیاز به حرمت و عزت و تحقّق و خودشکوفایی و من میخوام خواش کنم دانشجو‌ها عزیز ضمن این که دغدغه دارنن در مورد فلسفون و غداشتون، نمی‌خواهیم بگیریم که اینارو کلاً نادیده بگیرنن، ولی در این حد نمانند و تحلیل بشه که مثلاً نوع روابط دانشجو با دانشجو، دانشجو با اساتاد و دانشجو با کارکنان توی دانشگاه تحلیل بشه و اگر این روابط جایی اشکال داره پیش بپازیم چون فضای روانی حاکم بر یک محیط خیلی مهمه اگر شما در یک فضا بهترین‌ها رو بخورید ولی فضای روانی خوبی نباشه شما تون فضای خیلی بدی دارید و اذیت می‌شوید، روی بحث حرمت‌گذاری و اعتماد به هم و از همه مهم‌تر شاخص‌های آموزشی و تربیتی که همه دانشگاه ایجاد شده بران، اینها من دوست دارم واقعاً دانشجو‌ها حساس باشنن و در بحث حضور غیاب و غیبت و بجای احکام آموزش مطالعه‌های گری کنند اتفاقاً دانشجو‌ها حساس باشنن و من شازده جلسه آموزشی حق دارم که دولت برای اون استاد تعیین کرده و پول داده به استاد و من به هیچ وجه کوتاه‌نمادم که حتی بخواد یک جلسه کم بشه، ببینید من بعنوان دانشجو وقتی نگاه میکنم به واحد درسی می‌بینم سر فراشا ایناس و این حق من و من اینو مطالبه میکنم و تمریزام یک استادی بیاد و اون جزای رو که بده بکنه و واحد رو تموم کنه. این دورن میگذرد این غذا ولی اون خروجی معلمی هست که چقدر رشد پیدا کرده از نظر علمی و تربیتی. ممنونم از شما که پلی برای ارتباط بین مسئولین و دانشجویان شدید.

دانشجو...

من از این جمله این است که دانشگاه فرهنگیان یک کارخانه است افراد وارد آن می شوند اندکی مواد افزودنی و نگه دارنده به آن اضافه می شود، بسته بندی شده و به مدارس فرستاده می شوند! و باید گفت که اغلب این مواد افزودنی مربوط به علم نیست! فرق دانشگاه فرهنگیان با مابقی دانشگاه ها در این است که دانشگاه فرهنگیان، جدایی علم از تربیت را به نفع تربیت می داند آن هم تربیتی که مسئولین از آن استقبال می کنند: تربیتی که معلمان آینده را مطیع و فرمانبردار بار می آورد!

دانشگاه فرهنگیان می خواهد از تربیت به علم برسد اما مابقی دانشگاه ها از علم به تربیت!

دانشگاه فرهنگیان در حال خیانت به علم و تربیت است! با این شرایط باید برای آینده این کشور اشکها ریخت! معلمان در آینده به کلاس خواهند رفت که هیچ دانشی ندارند به معنی واقعی کلمه هیچ! دانش آموز عملاً در طی ۱۲ سال هیچ چیز در مدارس یاد نخواهند گرفت: مهارت زندگی، مهارت اجتماعی، مهارت های فنی و شغلی، معلم نمی تواند چیزی را به دانش آموزان بیاموزد وقتی خودش هیچ نیاموخته!!

من شک ندارم با سرکار آمدن این نسل از معلم بی مهارت و بی دانش آینده کشور زیبا خواهد بود.

ما باید از علم در مقابل مشکلات تربیتی سپری بسازیم در برابر فجایعی که در کمین است...

گر هیچ نشانه ای نیست اندر وادی

بسیار امیدهاست در نومیدی

فاضل نجمی نژاد

بجای این سه نقطه هرکلمه ای می توانید بگذارید. برتر، فربخته، شایسته تا بسیجی، انقلابی و معلم. اما آیا صفت (معلم) ماهیتی متفاوت به موصوف خود یعنی (دانشجو) می دهد! مثلاً در ترکیب وصفی دانشجو شایسته؛ شایسته بودن در امری غیر از آن شایستگی است که مابقی دارند. یا دانشجو انقلابی، معنای دیگری از انقلابی بودن می دهد که به مابقی انقلابی ها اطلاق می شود.

وقتی می گوئیم دانشجو شایسته، از چه نوع شایستگی حرف می زنیم؟ فهرست شایستگی و عدم شایستگی در چیست؟

آیا غیر از این است که اخلاق، تراز علمی، پژوهش نمونه ای از شایستگی های یک دانشجو است؟

اما سوالی مهم! چرا وقتی صفت معلم به دانشجو در دانشگاه فرهنگیان اضافه می شود ویژگی دانشجو بودن کلاً عوض می شود؟ من در این نوشته به دنبال فقط یک مسئله هستم! و آن هم "سطح علمی دانشجو ها و اساتید در دانشگاه فرهنگیان"

اگر تنها یک ترم در این دانشگاه بگذرانید تفاوت فاحش سطح علمی برخی از اساتید نسبت به دانشگاه و نیاز دانشجو را درک خواهید کرد. در یک نظر سنجی که در مورد تراز علمی اساتید که در فضای اینترنت و با نمونه گیری اتفاقی از نزدیک به ده هزار دانشجو معلم انجام شد (هزار دانشجو از دانشگاه های فرهنگیان کل کشور در این نظرسنجی شرکت کردند) نتایج تکان دهنده بود!

در این نظرسنجی مشخص شد که تنها 20 درصد از اساتید مناسب دانشگاه فرهنگیان هستند و نیاز دانشجو را برطرف می سازند؛ این نشان از یک فاجعه علمی در دانشگاه فرهنگیان است!

فاجعه علمی در دانشگاه ما داغی است که سالها ذهن و روان معلمان را شکنجه خواهد داد، این فاجعه علمی سبب مرگ علمی معلمان آینده و آوار شکست علمی بر سر میلیون ها دانش آموز است.

اما علت این اتفاق چیست؟

وقتی با مسئولین دانشگاه صحبت می کنید یک جمله را زیاد می شنوید: "وظیفه اصلی دانشگاه ما تربیت است، تربیت معلم" برداشت



کتاب اثر مرکب و مضمون و هدف گذاری آن به نحوی است که مدیر، کارمند، مرد، زن، پسر، جوان و هر مخاطبی در هر کشور و سن و شغل و حرفه ای بتواند به فراخور نیازش از آن بهره‌مند شود و برای موفقیت و تداوم موفقیت به آن نیازمند باشد. تا آنجا که نویسنده در مقدمه کتاب ادعایی بزرگ می‌کند و می‌گوید: مهم نیست چه چیزی یاد می‌گیرید یا از چه استراتژی و تاکتیکی استفاده می‌کنید، موفقیت در نتیجه اثر مرکب به دست می‌آید.

بیا باید با هم صادق باشیم! شما هرگز با یک هفته تمرین مثبت اندیشی و تلاشی که عدم اشتیاق آن را در اعمالی وجودتان حس می‌کنید، به موفقیت دست نخواهید یافت. بیا باید صادق‌تر باشیم!



این اثر تجربه زیسته یکی از معلمان زاینی می‌باشد که هدف از تالیف آن را معرفی سیستم آموزش و پرورش زاینی، آشنا ساختن خواننده با فرهنگ و جو حاکم در کلاس‌های درس زاینی از طریق تجربیات شخص مولف در طول سه دهه معلمی و فعالیت در مدرسه می‌داند. این انتقال در این کتاب با عبارت انتقال «دی ان ای» معلمی تعبیر شده است.

این کتاب می‌کوشد به خوانندگان نشان دهد که چگونه در میدان عمل، یعنی مدرسه و کلاس درس، تئوری تربیتی ساخته می‌شود، شکل می‌گیرد، بازسازی می‌شود و توسعه می‌یابد. این کتاب را می‌توان «درس پژوهی در میدان عمل» نیز نامید. درس پژوهی به مثابه الگویی از بخش برای بهسازی آموزش، نظریه‌ای برای بهسازی عمل و به عبارتی دیگر ساختن نظریه در متن عمل است.



نیلوفر شادمهری در کتاب خاطرات سفیر به بیان چالش‌های یک بانوی مسلمان به عنوان دانشجوی ممتاز ایرانی در فرانسه می‌پردازد که با نگارش میموی ساده، خواننده را به خوابگاهی در پاریس می‌برد و او را با رویدادها، تجربه‌ها و خاطراتش شریک می‌کند.

خاطرات دختر مسلمانی که در کشور فرانسه، هر چند برای ادامه‌ی تحصیل در مقطع دکتری حضور دارد اما سفری شده است برای دفاع از حقیقت اسلام، مواجهه‌ی او با آدم‌های مختلف و اتفاقات متفاوت این خاطرات را جذاب‌تر می‌کند، از قبول نشدنش در بهترین دانشگاه فرانسه تنها به دلیل حجابش و دست‌نزدان با سرشناس‌ترین اساتید مرد تا برگزاری دعای عهد در اتاق خوابگاه و خواندن دعای کمیل برای «بیک سلیم النفس».

دانشجو کو تربیت معلم کسی است که...

برگرفته از

بیانات امام خامنه ای (مد ظله العالی)

اهل تحصیل
تهدیب و ورزش
باشد.

به نظر من دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند؛
خوب تهدیب اخلاق کند و خوب به ورزش بپردازد. من برای
دانشجوی موفق، سه شاخص دارم... دانشجوی موفق، به حیث
دانشجویی، این است: باید خوب درس بخواند، به اخلاق و تهدیب
نفس بپردازد، ورزش هم بکند. ۷۷/۲/۲۲



کشور را
به سوی جامعه
اسلامی سوق
دهد.

کشور و ملت را به آن جایگاهی که معنایش این
باشد که یک جامعه اسلامی به معنای واقعی
تشکیل شده، برسانید.

دیدار دانشجویان با رهبر انقلاب ANTV

در عرصه
تربیت، جنگ را
جدا بگیرد.

جنگ را جدی بگیرید؛ یک عده ای می خواهند نفهمیم دشمن مشغول
چه کاری است. در عرصه ی تربیت انسانهای والا، باهمت، رشید و
شجاع و با هدف در عرصه ی این تربیت مهم یک جنگی برپاست یک
عده ای میخواهند جوان مومن، جوان مسلمان، جوان ایرانی با این
خصوصیات پرورش پیدا نکند. غربی ها انتظار دارند معلمین متدین
علاقه مند به آینده کشور در کلاس خود برای آنها سرباز تربیت
کنند. دیدار دانشگاه فرهنگیان

جهت گیری تعلیم و تربیت باید به سمت
برخورداري از عدالت باشد یعنی آپ ما، تعلیم و
تربیت ما، عدالت پرور، عدالت خواه و عدالت ساز
تربیت کند؛ چون عدالت آن ارزش والا یی است که از
اول تاریخ بشر تا به امروز همواره مورد نظر آحاد
بشر بوده است. دیدار دانشگاه فرهنگیان

عدالت محور
عدالت پرور
و عدالت ساز باشد

روی
محیط خودش
اثر فکری و روانی
بگذارد.

درست فکر کردن، درست تحلیل کردن، تحلیل
درست را به دیگران منتقل کردن و سعی در
روشن و آگاه کردن کسی که فکر می کنید
ناآگاه است. ۸۷/۲/۲۲

اهل
بصیرت باشد و
دیگران را آگاه
باید.

جوانان انقلابی دانشگاه سعی کنند خوب درس بخوانند؛ خوب فکر و معرفشان را بالا ببرند. سعی کنند در محیط خودشان اثر بگذارند؛ فعال
باشند، نه منفعل؛ روی محیط خودشان، اثر فکری و روانی بگذارند. این شدنی است. یک جوان گاهی اوقات می تواند مجموعه پیرامونی خودش
را - کلاس را استاد را و حتی دانشگاه را - زیر تأثیر شخصیت معنوی خودش قرار دهد. البته این کار با سیاسی کاری به دست می آید؛ با معنویت
به دست می آید، با صدا به دست می آید، با استحکام رابطه با خدا به دست می آید. ۷۷/۲/۲۲

۴ سال مثل ابر و باد گذشت

و به نظرم با همه ی کم و کاستی ها خوب هم گذشت. جو دانشگاه فرهنگیان فوق العاده خوب است و میتوان گفت به معنای واقعی جو دوستانه ای دارد. در حالی که در دانشگاه های دیگر همچون دانشگاه شریف، تهران یا همین فردوسی خودمون تا جایی که خبر دارم این جو اصلا وجود ندارد شاید این اتاق های هشت و ده نفره مان بی تاثیر نبوده است، مجبور شده ایم چندین نفر با ویژگی های متفاوت کنار هم زندگی کنیم و این توان تعامل و کنار آمدنمان را تقویت کرده. به عنوان کسی که مسئولیت هایی در دانشگاه برعهده داشتم، میتوانم بگویم مشکلات زیادی وجود دارد که نمیتوان از آنها گذشت ولی میتوان با پیگیری دوستانی که در تشکل های مختلف سمت هایی دارند، این مشکلات را به گوش مسئولین رساند و آنها را تا حدودی برطرف کرد. و اگر برای مشکلی که میگوییم راهکاری اجرایی بدهی و سعی کنی مشاوری دلسوز برای مسئولان و دانشجویان باشی نه منتقدی تند که فقط می خواهد با داد و بیداد خودی نشان دهد این برطرف شدن ها و همکاری ها بیشتر می شود، البته همکاری مسئولان دلسوز بهتر شدن شرایط و البته نه که بگویم شرایط گل و بلبل است و در شأن دانشجویان، آنهم دانشجو معلم آینده ساز، اما چه کنیم شرایط این بود و مگر جز زندگی چاره ای، پس شرایط را بپذیریم و سعی کردیم با هر چه موجود بود آن را تبدیل به بهترین کنیم.

به عنوان یک دانشجوی ترم آخری میخواهم یک توصیه ی برادرانه کنم و آن هم این است که فقط متکی به فضای درونی دانشگاه و فقط کلاس رفتن نباشند. به قول معروف یادتان نرود که دانشجو شده اید و دوران دانش آموزی به سر آمده خودمان باید به دنبال علم برویم و خلاصه دانشجویی که دانش جو نباشد دانشجو نیست به عنوان حداقل کار سعی کنند در تشکل های مختلف عضو شوند و خودشان را به گونه ای درگیر کار کنند که به عقیده بنده همین نوع درگیری هاست که یک دانشجو معلم واقعی را می سازد و باعث می شود که نحوه ارتباط گرفتن با مخاطب خود که خود یکی از مهم ترین اصول یک معلم به حساب می آید، فراگیرند و باور کنید چه تجربه ها که به دست نمی آید، هم لذت می برید که گوشه ای از مملکت دارید کاری انجام می دهید و عمرتان را تلف نمی کنید و هم دیدتان بازر می شود، مشکلات واقعی و ساختاری را بهتر می بینید و درک می کنید، مسئول کاری و غیر کاری را تشخیص می دهید و طبقه برخورد با هر کدام را می آموزید و از همه مهمتر در این دنیایی که روز به روز آدمها از هم دور می شوند، دوستان زیادی پیدا خواهید کرد که شاید بزرگترین سرمایه باشد در جامعه ما.

به عنوان سخن آخر هم بگویم که دوستان عزیزم علاوه بر درس خواندن حتما یک مهارتی را هم مرتبط با حرفه معلمی یاد بگیرید. همین مهارت ها خواهند بود که به درد آینده تون خواهند خورد. دانشگاه و نهادهای زیادی مسئول تامین رفاه دانشجو و دانشجو معلمند اما این که عمر خود را به شماتت ضعف آن ها سپری کنید جز تلف شدن عمرتان و بهترین سال های زندگیتان هیچ دستاوردی ندارد. پس به جای آن ببینید چه نرم افزاری، چه کتابی، چه ورزشی و چه هنری را دوست دارید و دنبالش بروید، خود همین چیز جدید آموختن تحمل خیلی از دشواری ها را راحت میکند. خلاصه از اوقات فراغتی که از درس خواندن باقی می ماند (منظور همان روز و شب های به غیر از شب امتحان برای اکثر دانشجویان) نهایت استفاده را ببرید که خدایی نکرده این بهترین سال های جوانی بگذرد و چیزی به دانسته هایتان اضافه نشده باشد که آن وقت بک ضرر کرده اید.



سخنی با امام رئوف

مولای من: تو را امام غریب می نامند، می دانم بد منزیانی بودند در همان نوازی
و خاک کردند.

مولای من: بعد از گذشت روزگار، حال تو منزیان ماست؛ تو منزیان گریه و نیازها؛
غم و دلگشایی مای ماستی.

تو که غریبی را احساس کرده ای! حال غریبه باستان کرم تو چشم دوخته اند به دستان
پر صبرمت تو سل کرده اند.

مولای من: می خواهیم از زائرانی بگویم که جاده به جاده و شرب به شرب گذشته اند تا نفسی
همان شوند و از می عشق تو بوشند.

مولای من: می خواهیم از سنگ فرش آستان مقدست بگویم که سجد کاه قدم همانانت
شده است؛ از کبوتران عاشقی که گرداگرد حرم پاک تومی چرخند و تو را طواف می کنند؛ از
نیم بگویم که سیرق کنبدت را بوسه باران می کند و عطر دلربای تو و اشک تمنای زائرانت را
به اوج افلاک می برد.

مولای من: می خواهیم از آستان بگویم که هر روزنه، هر ساعت نه، هر خط و ثانیه از تو
جان می گیرود و پیشگاه شکوه تو جان می دهد.

ای آفتاب مهربانی: می خواهیم از خورشید بگویم که هر طلوع با انوار خود به نجره فولاد تو
چنگ می زند و از ضریح تو نور می گیرد.



دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی، پردیس شهید بهشتی؛

کانون جهاد علمی



@jahad_elmy



@jahad_elmy